

آینده‌پژوهی رویکردهای ایالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندو

پاسیفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد عله پور^۱ و دکتر محسن نوروزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

چکیده

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن تحلیل تهدیدات ناشی از کنشگری ایالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک، آینده تأثیرات رقابت رخ نموده بر منافع ایران با کمک روش سناریونویسی توصیف و تحلیل گردد. پژوهش پیش‌رو از نوع کاربردی و با توجه به اینکه در خلال آن برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق یعنی چگونگی تأثیر آینده تهدیدات رویکردهای چین و آمریکا در حوزه ایندو پاسیفیک بر منافع ایران، به توسعه یکی از انواع روش‌های کیفی نگارش سناریو موسوم به GBN می‌پردازد، از نوع توسعه‌ای است. علاوه بر این، پژوهش پیش‌رو از نوع اکتشافی و توصیفی خواهد بود. همچنین کوشش شده است تا از طریق مصاحبه با خبرگان و گروه‌های کانونی، عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر بر روابط مورد اشاره استخراج شود. با توجه به عدم قطعیت‌های کلیدی استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌های توزیعی در میان ۲۵ نفر از خبرگان امنیتی، علمی و دیپلماسی، چهار سناریوی: (۱) بدترین: تضمین امنیت انرژی چین؛ (۲) بهترین: وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان چین و ایالات متحده؛ (۳) تداوم روندهای کنونی: عدم وقوع جنگ تجاری و اقتصادی میان چین و ایالات متحده؛ (۴) ناتوانی چین در تضمین امنیت انرژی را تدوین نموده که به تناسب سناریوها و به تفصیل علاوه بر پیش‌نشانگرهای وقوع سناریوها، توصیه‌های راهبردی، سیاست‌ها و راه‌کارهایی برای مدیریت هر یک ارائه و پیشنهاد گردد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، ایندو پاسیفیک، سناریونویسی، رویکرد راهبردی، منافع ملی.

۱. دانش‌آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) (mehrddalipour1992@mail.com)

۲. دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۱. مقدمه

بسیاری از اندیشمندان امر، روابط ایالات متحده و جمهوری خلق چین را مهم‌ترین روابط دوجانبه از منظر تأثیرات و پیامدهای آن بر آینده سیاست و نظام بین‌الملل و تلقی می‌کنند. تلقی مزبور تا حدود زیادی صحیح می‌نماید؛ زیرا روابط پدیدار شده از یک‌سو در فضای پساجنگ سرد که دوران گذار را تجربه می‌کند رخ نموده است و از سوی دیگر مسائل هم‌گرایانه و واگرایانه متعددی در روابط جاری دو کشور وجود دارد که به نحوی بالقوه می‌تواند فرآیندهای کلان بین‌المللی را متأثر از خود ساخته و بر موقعیت قدرت‌های برتر جهانی و آزادی عمل این دسته از کنشگران تأثیرات مهمی برجای گذارد و دو کشور را به سمت یک نظام جهانی، با ماهیت مدل دو - چندقطبی سوق دهد. از این‌رو، پایش تحولات روابط این دو کنشگر برتر می‌تواند در فهم روندهای کنونی و حتی آتی سیاست بین‌الملل مؤثر واقع شود. نکته قابل توجهی که باید به آن توجه داشت آن است که چون در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ و سیاست آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، از این‌رو شناخت این سیاست‌ها و رفتارها برای نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ راهبردهای مطلوب و بهینه در عرصه سیاست خارجی بسیار مهم می‌باشد. متأثر از مطالبی که ذکرشان رفت، مسئله پژوهش پیش‌رو، بررسی آینده سیاست‌های ایالات متحده و جمهوری خلق چین در آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک است تا از طریق تحلیل رفتارهای بازیگران موردنظر، بررسی پیش‌ران‌ها، عوامل کلیدی تغییر و شگفتی‌سازهای مؤثر بر آینده روابط دو کشور در حوزه منطقه ایندو پاسیفیک، راهکارهای تحصیل منافع جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش سناریونویسی تبیین و احصا گردد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

ابتداً در خصوص پیشینه موضوع مورد تدقیق اجمالاً می‌توان چنین اظهار داشت که با بررسی ادبیات موجود پیرامون مقوله رقابت راهبردی چین و ایالات متحده در حوزه

راهبردی ایندو پاسیفیک در میان آثار فارسی و انگلیسی، با وجود کثرت منابع در تجزیه و تحلیل وقایع، هیچ‌یک از آثار مورد اشاره با رویکردی آینده‌پژوهانه نوع رقابت رخ نموده و تأثیرات آن را بر منافع جمهوری اسلامی ایران مورد تدقیق قرار نداده‌اند و اینکه در میان نویسندگان داخلی و خارجی تاکنون رویه غالب در تحلیل وقایع فی‌مابین بیشتر معطوف به روندهای ظهور و صعود جمهوری خلق چین بوده است. بنابراین می‌توان چنین اظهار داشت که راهبردهای موازنه‌جویانه پکن در مقابل واشنگتن در آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک چنان‌که شایسته و بایسته است مورد بررسی قرار نگرفته است که همین امر به نوبه خود مبین نوآوری و تازه بودن موضوع مورد مذاقه است.

— «ریچارد جواد حیدریان»^۱ (۲۰۲۰) در کتاب خود با عنوان «هند - اقیانوسیه: ترامپ، چین و کشمکش جدید برای حکمرانی جهانی»^۲ به تشریح و تبیین مقولاتی همچون: دکترین ترامپ، هنر مداخله هوشمند، نظم نوین چینی، ابتکار کمربند - راه به‌عنوان پیشگام جدید جهانی شدن، جنگ سرد جدید، جهان پسا آمریکایی، قدرت‌های متوسط و ائتلاف بازدارندگی و هژمون نوپای چین مبادرت ورزیده است.

— «رکابیان و عله پور» (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان «آوردگاه ایندو پاسیفیک و رویارویی پکن - واشنگتن در عصر پسا جنگ سرد (۲۰۱۹ - ۲۰۱۰)» کوشیده‌اند تا به این پرسش پاسخ گویند که رویکرد راهبردی چین به تحرکات ایالات متحده در حوزه ایندو پاسیفیک بر چه مبنایی استوار است؟ ایشان در مقام پاسخ چنین اظهار داشته‌اند که متأثر از شرایط ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک، پکن کوشیده است تا در پرتو روابط و تعاملات نوین مسالمت‌آمیز، رویکرد توازن گرایانه‌ای را در سطوح داخلی و خارجی ردگیری نموده و متعاقباً به زمینه‌سازی و ایجاد سیستم چندجانبه متعادل مبادرت ورزد.

1. Richard Javad Heydarian

2. India-Oceania: Trump, China & the new challenge to world governance

– «اختلال چین و ایالات متحده؛ قدرت و سیاست در ایندو پاسیفیک پس از کووید ۱۹»^۱ عنوان مقاله‌ای است که به قلم «تیتلی باسو»^۲ (۲۰۲۰) به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در اثر خود چنین اظهار داشته است که در جهان پسا کرونا قدرت‌های بزرگ با رویکردی رقابتی، پروژه‌های نظم سازی که قبلاً بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده بودند را دنبال خواهند کرد. درعین حال رقابت میان واشنگتن و پکن نیز در حوزه ایندو پاسیفیک ادامه خواهد یافت.

– «اندرو اسکوبل»^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی رقابت ایالات متحده و چین در ایندو پاسیفیک و مباحث مرتبط با آن»^۴ معتقد است که رقابت واشنگتن و پکن در اوایل قرن بیستم، نه از پیش تعیین شده بود و نه انحرافی. با این وجود، اختلافات ناپایدار ایالات متحده و چین در طی سال‌های پس از جنگ سرد بیش از هر عامل دیگری متأثر از تلاشی شدن ائتلاف‌های طرفدار همکاری در دو کشور بوده است.

– «کای هی و مینگجیانگ لی»^۵ (۲۰۲۰) در اثر خود با عنوان «درک پویایی ایندو پاسیفیک: رقابت راهبردی ایالات متحده و چین، بازیگران منطقه‌ای و مسائل فراتر از آن»^۶ پرسش‌هایی را به این ترتیب مطرح کرده‌اند که آیا ایندو پاسیفیک به عرصه نبرد چین و ایالات متحده بدل خواهد شد؟ چین چگونه با راهبرد ایالات متحده در منطقه کنار خواهد آمد؟ واکنش کنشگران منطقه‌ای به رقابت واشنگتن و پکن چگونه خواهد بود؟ پیامدهای راهبردی تحولات رخ نموده در این حوزه راهبردی برای تحول نظم منطقه‌ای چیست؟

1. "Sino – US Disorder: Power & Policy in Post – COVID Indo Pacific", Journal of Asian Economic Integration, Vol. 2, No. 2, (August, 2020), pp. 159 – 179.

2. Titli Basu

3. Andrew Scobell

4. "Constructing a US – China Rivalry in the Indo Pacific & Beyond", Journal of Contemporary China, Vol. 30, (May, 2020), pp. 69 – 84.

5. Kai He & Mingjiang Li

6. "Understanding the dynamics of the Indo Pacific: US – China Strategic Competition, Regional actors & beyond", International Affairs, Vol. 96, No. 1, (November, 2020), pp. 1 – 7.

— «وی ژینگ هو»^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبردهای ایالات متحده و چین در ایندو پاسیفیک»^۲ چنین اظهار داشته است که چین مهم‌ترین رقیب بالقوه و حتی بالفعل ایالات متحده در قرن ۲۱ می‌باشد و اینکه منطقه ایندو پاسیفیک یک منطقه کلیدی است که در آن رقابت راهبردی ایالات متحده و چین برگزار می‌شود.

— «وی ژینگ هو و وی ژانگ منگ»^۳ (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «راهبردهای ایندو پاسیفیکی ایالات متحده و پاسخ چین»^۴ چنین اظهار داشته‌اند که راهبرد جدید امنیت ملی ایالات متحده به‌وضوح چین را به‌عنوان یک رقیب راهبردی تعریف می‌کند که در آینده‌ای نزدیک قادر است قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش بکشد. در همین راستا و اشنگتن به‌عنوان بخشی از یک رویکرد راهبردی در برابر چین، خواستار «اتحاد جدید دموکراسی‌ها» علیه چین در جامعه بین‌الملل شده است. از نظر نویسندگان پاسخ چین به تحرکات ایالات متحده سازنده، صلح‌آمیز و بدون تقابل و چالش با آمریکا خواهد بود.

پژوهش پیش‌رو به لحاظ روش؛ توصیفی (پدیدار شناختی) تحلیلی و از نظر نوع؛ موردی - زمینه‌ای می‌باشد. لازم به ذکر است که اثر حاضر در دو مرحله انجام شده است؛ بدین ترتیب که در مرحله نخست داده‌ها به‌صورت کیفی گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و سپس از تحلیل آمار توصیفی برای نمایش اطلاعات بهره‌جویی شده است؛ بنابراین، داده‌های جمع‌آوری شده عمدتاً کیفی و رویکرد غالب این پژوهش نیز کیفی بوده است. شایان ذکر است که با توجه به آنکه برخی از داده‌ها و یافته‌ها با کمک آمار توصیفی به نمایش درآمده است، از این‌رو رویکرد پژوهش آمیخته می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات از جامعه اسنادی نیز به شکل کتابخانه‌ای و در جامعه خبرگان به روش میدانی می‌باشد؛ بدیهی است که ابزارها در روش کتابخانه‌ای به شکل فیش‌برداری و در روش

1. Weixing Hu

2. "The United States, China & the Indo Pacific Strategy", the China Review, Vol. 20, No. 3, (August 2020), pp. 127 – 142.

3. Weixing Hu & Weizhan Meng

4. "The Us Indo Pacific Strategy & China's Response", the China Review, Vol. 20, No. 3, (August 2020), pp. 143 – 176.

میدانی به شکل مصاحبه، پنل خبرگان، پرسشنامه و... بوده است. ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که در اثر پیش‌رو از روش سناریونویسی کیفی (GBN)^۱ برای استفاده از داده‌های مستخرج مورداستفاده قرار گرفته است. روش مزبور از جمله روش‌ها و ابزارهایی می‌باشد که ضمن ارائه توصیف‌ها و تصاویری از آینده‌های بدیل، با استفاده هم‌زمان از سایر ابزارهای آینده‌پژوهی نظیر گفت‌وگوهای راهبردی، میزگرد خبرگی، دلفی، پویش و پایش محیطی و تحلیل روندها، یکی از روندهای جامع در روش‌های آینده‌پژوهی به شمار می‌رود. به منظور منطبق دهی به سناریوهای پژوهش بر اساس الگوی شبکه جهانی کسب‌وکار یا همان GBN، ۹ گام یا مرحله بدین قرار طی شده است: (۱) شناسایی بازیگران یا تصمیم اصلی پژوهش؛ (۲) شناسایی عوامل یا نیروهای کلیدی در محیط تصمیم؛ (۳) شناسایی پیشران‌های محیطی؛ (۴) طبقه‌بندی روندهای عوامل کلیدی بر مبنای اهمیت و عدم قطعیت؛ (۵) منطبق دهی به سناریوها؛ (۶) پُر بار کردن سناریوها؛ (۷) معانی ضمنی یا نگارش سناریوها؛ (۸) انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما؛ (۹) بازنگری و بازخورد گیری از سناریوها.

البته باید توجه داشت که به منظور تأمین روایی و پایایی ابزارهای سنجش (پرسش‌نامه) و سناریوهای پژوهش، اقداماتی بدین شرح صورت پذیرفته است: در گام نخست کوشش شد تا به منظور بررسی پایایی هر دسته از پرسشنامه‌های طراحی شده، آلفای کرونباخ هر یک احصا گردد. در همین خصوص، پس از بررسی پایایی زیر آزمون، بر اساس واریانس کلی هر آزمون و واریانس کل پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ مربوط به کل پرسش‌نامه برآورد شد که نتایج محاسبه آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه، نشان از پایایی مطلوب کل پرسش‌نامه داشت. همچنین باهدف روایی و پایایی پرسش‌های مصاحبه، تدابیر ذیل اندیشیده شد:

الف) در مرحله نخست، سؤالات مصاحبه از طریق مرور ادبیات تدوین شد؛

ب) در مرحله دوم، سؤالات به نظرسنجی صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه امنیت و سیاست گذاشته شد؛

پ) در مرحله سوم، پرسش‌ها، مورد بررسی و پالایش اساتید ذی‌ربط قرار گرفت. همچنین برای روایی و پایایی پاسخ‌های مصاحبه نیز تمهیدات زیر در نظر گرفته شده است:

الف) در مرحله نخست، پرسش‌ها به پست الکترونیکی مصاحبه‌شوندگان جهت بررسی اولیه و احراز آمادگی لازم ارسال شد؛

ب) در مرحله دوم، مصاحبه با صاحب‌نظران به شکل چهره به چهره صورت گرفت؛
پ) در مرحله سوم، پس از پیاده‌سازی کتبی و ویرایش پاسخ‌ها، مطالب مجدداً برای مصاحبه‌شوندگان به صورت مکتوب و بافاصله زمانی مشخص ارسال شد؛

ت) در مرحله چهارم، در مصاحبه مجدد با مصاحبه‌شوندگان، تأییدیه نهایی در خصوص متون ارسالی، دریافت شد؛

ث) سرانجام گزیده‌ای از بخش‌های مصاحبه‌های انجام‌شده به شکل پرسش‌نامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفت و نتایج آن متعاقباً احصا شد.

به‌منظور تأمین روایی داستان‌های سناریو نیز کوشش شد تا پس از طی مراحل پژوهش، سناریوهای طراحی شده از طریق روش‌های از پیش تعیین‌مانند پانل‌های خبرگی و تونل باد در اختیار و معرض گروه‌های کانونی قرار داده شود. پس از برگزاری جلسات خبرگی، داستان‌هایی که بر اساس روندها، رویدادها، عدم قطعیت‌های کلیدی و عوامل کلیدی مؤثر، متغیرها و داده‌های مستخرج از مرور ادبیات، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، طراحی شده بودند، مورد تأیید خبرگان امر واقع شدند.

۳. حوزه ایندو پاسیفیک عرصه رقابت تمام‌عیار چین و آمریکا در فضای

پساجنگ سرد

در خلال «جنگ سرد»^۱ منافع ابرقدرت‌ها به‌نوبه خود تعیین‌کننده سرنوشت بسیاری از وقایع جهان بود؛ این در حالی است که در فضای پساجنگ سرد، نظام بین‌الملل دستخوش

1. Cold war

دگردیسی‌های ژرف بنیادینی شده است که امکان رشد هرچه بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای را فراهم آورده است. در پرتو تحولات رخ نموده، مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای از فرصت بیشتری برای تحرک و خودنمایی بهره‌مند شده‌اند و در برخی از مناطق تغییرات قدرت منجر به جابه‌جایی قطب‌های قدرت جهانی شده است (Mousavi Shafaei & Naghdi, 2016: 149). به بیانی بهتر می‌توان چنین ابراز داشت که نظام دوقطبی که شکل مشخص آن غالب بودن دو بازیگر مهم آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود از میان رفت و متعاقب آن چرخشی تاریخی در مناسبات سیاست جهانی رقم خورده است. اگرچه آثار، پیامدها و افق آینده چرخش مذکور تاکنون پُر ابهام می‌نماید اما تردیدی نیست که سده جاری تمایزات بنیادین ژرفی با گذشته خواهد داشت (سلیمان پور، ۱۳۹۳: ۶۴).

جدای از مباحث گوناگونی که در رابطه با سرشت نظام بین‌الملل در فضای پساجنگ سرد پدیدار شده است؛ از معتقدان به ساختار تک‌قطبی با هژمونی ایالات متحده تا طرفداران ایده نظم چندقطبی و یا هواداران رویکرد یک - چندقطبی، آنچه در خصوص آن اتفاق نظر وجود دارد، ورود و قدرت‌گیری روزافزون مجموعه‌ای نوین از بازیگران در نظام بین‌الملل می‌باشد که قادر گشته‌اند ضمن پیشینه‌سازی مؤلفه‌های قدرت ساز خود، در عرصه سیاست بین‌الملل به عرض‌اندام پردازند. در همین رابطه جمهوری خلق چین از جمله کنشگران نوینی می‌باشد که روند قدرت‌گیری و «خیزش»^۱ آن با در پیش گرفتن سیاست‌های واقع‌گرایانه در عرصه‌های داخلی و خارجی از سال‌های پیش از پایان جنگ سرد آغاز شده است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۸۸). خیزش پکن و افزایش دامنه نفوذ و تأثیرگذاری، همراه با تلاش آرام برای ایجاد دگردیسی‌های سامانمند، روزبه‌روز ایده انتقال مرکز ثقل قدرت از آتلانتیک به حوزه راهبردی «ایندو پاسیفیک»^۲ را بیشتر برجسته کرده است؛ تا جایی که می‌توان این وضعیت را یک «معجزه»^۳ و از جمهوری خلق چین به‌عنوان کشور «آینده»^۴ یاد کرد (رفعی و بختیاری جامی، ۱۳۹۲: ۸۲).

-
1. Rise
 2. Indo Pacific
 3. Miracle
 4. Future

جمع موارد فوق سبب شد تا «باراک اوباما»^۱ رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، با تأسی از نظریه «جرج کنان»^۲ مبنی بر «سیاست مهار»،^۳ تمرکز و توجهش را به حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک معطوف دارد. در راستای طرح و پیاده‌سازی سیاست مهار، اوباما در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۱، برخلاف همتایان پیشین خود در «کاخ سفید»^۴ دکترین جدیدی را تبیین نمود که در نتیجه آن ایالات متحده پس از خروج نیروهای نظامی خود از عراق، تمرکز خود را از غرب آسیا به آسیای جنوب شرقی معطوف داشت و بالطبع در پرتو راهبرد مهار، جمهوری خلق چین اهمیت وافری پیدا کرد. در همین رابطه، اوباما در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۱ در استرالیا خبر از «چرخشی راهبردی»^۵ داد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). مفهوم چرخش راهبردی برگرفته از کتاب «آلفرد مکیندر»^۶ است که در زمان‌های گوناگون روسیه و سپس چین را دو قدرت محوری تلقی می‌کرد که بزرگ‌ترین تهدیدات را به کشورهای آنگلو ساکسون و پس از جنگ دوم جهانی به ایالات متحده ارائه نموده‌اند. از مفهوم چرخش راهبردی بسیاری در محافل فکری تحت عنوان دکترین جدید ایالات متحده نام برده‌اند که علی‌الظاهر پس از یک دهه حضور نظامی در حوزه خلیج فارس، واشنگتن عمده تمرکز خود را بر آسیای شرقی معطوف خواهد کرد (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴: ۶۰). نکته قابل تأملی که در این بین خودنمایی می‌کند آن است که پس از آنکه اوباما جای خود را به «دونالد ترامپ»^۷ در کاخ سفید داد، سیاست مهار جمهوری خلق چین نه تنها تضعیف نشد، بلکه کمافی سابق و به آنجا گوناگون ردگیری شد (Mac Adams, 2016).

البته این نوع از موضوع گیری توسط مقامات آمریکایی در زمان «جو بایدن»^۸ رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده نیز به وضوح قابل مشاهده است. در همین رابطه بایدن

-
1. Barak Obama
 2. George Kenan
 3. Policy of containment
 4. White House
 5. Strategic rotation
 6. Alfred Makinder
 7. Donald Trump
 8. Joe Biden

در روزهای ابتدایی که سکان کاخ سفید را در اختیار گرفت در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس»^۱ چنین اظهار داشت که: «لازم نیست مناقشه‌ای بین ما (واشنگتن و پکن) باشد، با این وجود رقابتی جدی در پیش است. روش من با روش ترامپ فرق دارد». به بیانی بهتر می‌توان چنین اظهار داشت که بررسی مواضع دولت بایدن حاکی از آن است که تفاوت چندانی میان دولت تحت رهبری وی و دولت‌های پیشین مستقر در کاخ سفید در قبال چین وجود ندارد؛ بدین ترتیب که دولت جدید نیز کمافی‌سابق، چین را تهدیدی ژرف برای آمریکا تلقی نموده است. البته تنها تفاوت دولت بایدن نسبت به دولت ترامپ آن است که وی کوشیده است تا با ترکیبی از دیپلماسی، مقررات بین‌المللی و اقدامات هماهنگ با متحدان خود، اهداف از پیش طراحی شده را در قبال چین عملیاتی کند. بنابراین، به نظر چین می‌رسد که در کلان موضوع تغییری راهبردی در رویکردهای دو کشور ایجاد نخواهد شد، با این حال ممکن است که با توجه به گرایش‌های فکری و عقیدتی دولت تحت رهبری بایدن، به لحاظ تاکتیکی تغییرات ژرفی در روش‌های مدیریت تهدید چین از سوی دستگاه دیپلماسی تحت هدایت بایدن صورت پذیرد.

در نگاهی کلی عمده راهبردهای ایالات متحده در قبال چین طی سالیان اخیر در خلال اسناد امنیت ملی این کشور قابل ملاحظه و مشاهده است؛ در همین رابطه چین در «سند راهبردی امنیت ملی آمریکا»^۲ ۳۳ بار؛ در «خلاصه راهبرد دفاع ملی آمریکا»^۳ شش بار و همچنین در «بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا»^۴ ۴۱ بار مخاطب قرار داده شده است و از آن آن به‌عنوان «رقیب»^۵ و «تهدید»^۶ یاد شده است (Golshan, 2018). معنای ساده‌اقدامات ایالات متحده آن است که در خصوص نوع رویارویی و یا تقابل با پکن، ایالات متحده متأثر

1. CBS

2. (National Security Strategy Of The United States Of America, 2017: 12, 18, 35).

3. (Summary Of The 2018 National Defense Strategy, 2018: 3, 4).

4. Review of the US nuclear situation

5. Rival

6. Threat

از توصیه‌های راهبردی افرادی همچون «مرشایمر»^۱ که قائل به «موازنه از نزدیک»^۲ به‌جای «موازنه از راه دور»^۳ برای کنترل جمهوری خلق چین است (Mearsheimer & Walt, 2016: 70) دو اصل تقویت حضور اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک را در منطقه ایندو پاسیفیک از یک‌سو و حمایت از متحدان منطقه‌ای خود در برابر پکن از سوی دیگر مورد توجه قرار داده است. در همین راستا واشنگتن با دست گذاشتن بر اختلافات سنتی میان کشورهای منطقه و در مرحله بعد با حضور کشتی‌ها و زیردریایی‌های خود و پرواز هواپیمای نظامی در نزدیکی جزایر مورد اختلاف جمهوری خلق چین با همسایگان این کشور و همچنین استقرار سامانه موشکی «تاد»^۴ به بهانه دفاع در برابر توانایی‌های موشکی کره شمالی (ولی در واقع باهدف بازدارندگی در برابر جمهوری خلق چین) در صدد دستیابی به اهداف اعلامی و اعلانی خود برآمده است (باقری دولت‌آبادی و درج، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

اما در خصوص رویکردهای متوازن‌کننده پکن در مقابل تحرکات ایالات متحده در آوردگاه ایندو پاسیفیک می‌توان چنین اظهار داشت که راهبرد کلان چین همانند هر دولت دیگری متأثر از تجارب تاریخی، منافع سیاسی و محیط راهبردی آن کشور است (رکابیان و عله پور، ۱۳۹۹: ۱۲۳). چینی‌ها راهبرد کلان خود را بر مبنای سه محور مرتبط باهم یعنی: (۱) حفظ نظم داخلی و افزایش قابلیت دولت در مواجهه با کشمکش‌های داخلی؛ (۲) دفاع در برابر تهدیدات خارجی علیه حاکمیت ملی و سرزمینی؛ (۳) کسب و تداوم تأثیرگذاری ژئوپلیتیک به‌عنوان یک قدرت بزرگ شکل داده‌اند (خضری، ۱۳۹۰: ۶۸۳ - ۶۸۲). در همین خصوص نخبگان سیاسی چینی در راستای اتخاذ رویکرد توازن‌گرایانه در مقابل ایالات متحده در آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک، دو حوزه داخلی و خارجی را مورد توجه قرار داده‌اند:

-
1. John Mearsheimer
 2. Balance from near
 3. Balance from away
 4. TAD

از جمله مهم‌ترین حوزه‌های رویکرد متوازن کننده داخلی چین که مورد توجه خاص نخبگان این کشور می‌باشد، «بحران تایوان»^۱ است که از زمان پیروزی انقلاب چین تاکنون یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در شرق آسیا بوده و تأثیرات مهمی بر روابط دو کشور جمهوری خلق چین و ایالات متحده داشته است (ارغوانی پیر سلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). پکن در پرتو بحران تایوان در صدد دیکته کردن سیاست‌های خود به همسایگان به‌عنوان سیاست‌های قابل قبول برآمده است تا از این رهگذر فشارهایی را بر واشنگتن برای خروج از شرق آسیا وارد کند (Brzezinski & Mearsheimer, 2005: 146). پس از بحران سیاسی - امنیتی تایوان، مقوله اقتصاد دومین مبحث در حوزه داخلی است که جمهوری خلق چین به‌عنوان رویکردی توازن بخش به آن می‌نگرد (Buzan, 2014: 235). به بیانی دیگر، طی سالیان اخیر افزایش توانمندی‌های اقتصادی از جمله عواملی می‌باشد که مقامات پکن از آن به‌عنوان ابزاری کارآمد در راستای مقابله با سیادت جویی ایالات متحده از آن بهره‌گیری حداکثری را به عمل آورده‌اند. علاوه بر موارد مذکور یکی دیگر از حوزه‌های چالش‌برانگیز در روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده حوزه نظامی می‌باشد که به‌نوبه خود سبب شده است تا پکن در سال‌های اخیر فرایند توسعه را از حوزه اقتصاد به سایر حوزه‌ها انتقال دهد (Chase et al, 2015: 23). اما در حوزه خارجی و در سایه رشد اقتصادی شگرف حاصل شده طی چند دهه اخیر، تلاش چین برای ایجاد رویکرد توازن‌گرایانه در برابر ایالات متحده در چند حوزه خاص، نمود بیشتری داشته است؛ تا جایی که از مهم‌ترین این حوزه‌ها می‌توان به گریدور «کمر بند - راه»^۲، تأسیس نهادهای مالی بین‌المللی (بانک توسعه

1. Taiwan Crisis

۲. ابتکار کمر بند اقتصادی جاده ابریشم جدید یا همان کمر بند - راه (Belt - Road Initiative) در سال ۲۰۱۳ توسط «شی جین پینگ» رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین پیشنهاد شد و اکنون به‌عنوان نماد سیاست خارجی وی شناخته می‌شود. این طرح ۶۵ تا ۷۰ کشور را درگیر خود کرده و هدف آن متصل کردن دو سوی توسعه‌یافته اوراسیا (چین از یک طرف و اروپا از طرف دیگر) و کمک به توسعه سریع‌تر کشورهای مابین این دو سوی اعلام شده است. دولت جمهوری خلق چین از این طرح به‌عنوان مدل جدید از همکاری بین‌المللی و حکمرانی جهانی بر پایه منشور ملل متحد و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز یاد می‌کند (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۶).

زیرساخت آسیایی)،^۱ توجه خاص به منطقه‌گرایی، گسترش روابط با فدراسیون روسیه و ایجاد ائتلاف‌های جمعی نوین همانند گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای اشاره کرد.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش که شامل فرآیند تدوین، تنظیم، شالوده‌ریزی و بیان مفهوم یا معنی انبوهی از داده‌های جمع‌آوری شده می‌باشد، فرآیندی درهم، مبهم، وقت‌گیر، مُبتکرانه و فریننده است که به صورت مستقیم یا به روش خطی انجام نمی‌گیرد و طریقه آن چندان روشن و آشکار نیست. به بیانی بهتر، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق کیفی، تلاشی است در راه ابراز نظر کلی در خصوص روابط بین طبقه‌هایی از داده‌ها که بنای یک تئوری را شالوده‌ریزی می‌کند. متأثر از مواردی که ذکرشان رفت، در اثر حاضر، از روش سناریونویسی کیفی (GBN) برای استفاده از داده‌های مستخرج، بهره‌گیری شده است. روش مزبور از جمله روش‌ها و ابزارهایی می‌باشد که ضمن ارائه توصیف‌ها و تصاویری از آینده‌های بدیل، با استفاده هم‌زمان از سایر ابزارهای آینده‌پژوهی نظیر گفت‌وگوهای راهبردی، میزگرد خبرگی، دلفی، پویش و پایش محیطی و تحلیل روندها، یکی از روندهای جامع در روش‌های آینده‌پژوهی به شمار می‌رود. متأثر از این امر، در خلال اثر پیش رو کوشش شده است تا با بهره‌جویی از روش سناریو پردازی، تصاویری روشن از آینده‌های ممکن و محتمل از تهدیدات امنیتی رقابت واشنگتن و پکن در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک ترسیم شود و متعاقباً ضمن استخراج روندها، رویدادها، عدم قطعیت‌های کلیدی و عوامل کلیدی مؤثر، متغیرها و داده‌های مستخرج از مرور ادبیات، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران تعمیم دهیم.

۱. ایده این بانک (Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB) متعلق به جمهوری خلق چین است. تفاهم‌نامه تأسیس بانک مزبور در سال ۲۰۱۴ در پکن به امضا رسیده است. این بانک با هدف ترویج توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد ثروت و بهبود روابط زیرساختی در آسیا رسماً از تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ با سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلاری آغاز به کار کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز با در اختیار داشتن ۱/۶۳ سهام و ۲/۲۳ درصد حق رأی از شهریور ۱۳۹۵ به عضویت این بانک درآمد است.

۱. گام نخست، شامل شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی است. در همین رابطه، موضوع پژوهش پیش روی «تبیین رویکردهای واشنگتن و پکن در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک و تأثیرات آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد.

۲. گام دوم شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی مؤثر در بروز تهدیدات و فرصت‌های برآمده از تقابل و یا تعامل ایالات متحده و چین در منطقه ایندو پاسیفیک بر منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. گزاره‌های مستخرج در این مرحله با الگوی «STEEP»^۱ مرتب شده‌اند.

۳. گام سوم مربوط به شناسایی نیروهای پیشران می‌باشد. به منظور شناسایی نیروهای پیشران در کلان محیط، ابتدا با استناد بر ادبیات تحقیق و یافته‌های مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته فهرستی از پیشران‌ها احصا و سپس در معرض قضاوت گروه‌های کانونی و خبرگان امر قرار گرفت.

- پیگیری موازنه سازمان‌محور یا نهادگرایی منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای، آسه آن، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و صندوق راه ابریشم به جهت تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن؛
- اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای؛
- تلاش برای نوسازی، توسعه و گسترش توان نظامی به جهت تضمین تأمین امنیت انرژی، تجارت تسلیحات و مقابله با بحران‌های احتمالی پیش‌رو؛
- تأکید بر قدرت نهادی و بسط سنت‌های چینی از طریق دیپلماسی هوشمند (المپیک پکن و نمایشگاه اکسپوی چین)؛
- کاهش امنیت نسبی حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک، از طریق ایجاد جو نظامی و تقویت تجارت اسلحه در منطقه (شبه جزیره کره)، تأکید بر دکترین کنترل چین و حضور نظامی بیشتر در منطقه با ادعای حمایت از تایوان؛
- تمرکز بر مناطق چالش‌زا به‌عنوان اهرم‌های فشار بر پکن (تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و دریای چین جنوبی)؛
- اتخاذ راهبرد دوجانبه و چندجانبه در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- توجه به عامل فرهنگ به‌عنوان ستون سیاست و اقتصاد؛
- عامل جمعیت به‌مثابه نیروی محرک قدرت پایدار؛
- مگا پروژه کمر بند - راه؛
- ترویج یوان و رنمینبی به‌عنوان ارز مبادله‌ای در تجارت با کشورهای هم‌پیمان؛
- ردگیری مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی؛
- اتخاذ راهبرد جنگ اقتصادی (تحریم و تعرفه بر کالاهای وارداتی چینی)؛
- تهدید امنیت انرژی پکن به‌عنوان پاشنه آشیل چین؛
- عوامل قانونی و حقوقی؛
- حقوق دریاها.

۴. به‌منظور شناسایی، استخراج و تعیین وزن عدم قطعیت‌ها، در گام چهارم فهرستی از پیشران‌ها و عوامل کلیدی در معرض قضاوت خبرگان قرار گرفتند که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: عدم قطعیت‌های مؤثر بر روابط واشنگتن و پکن

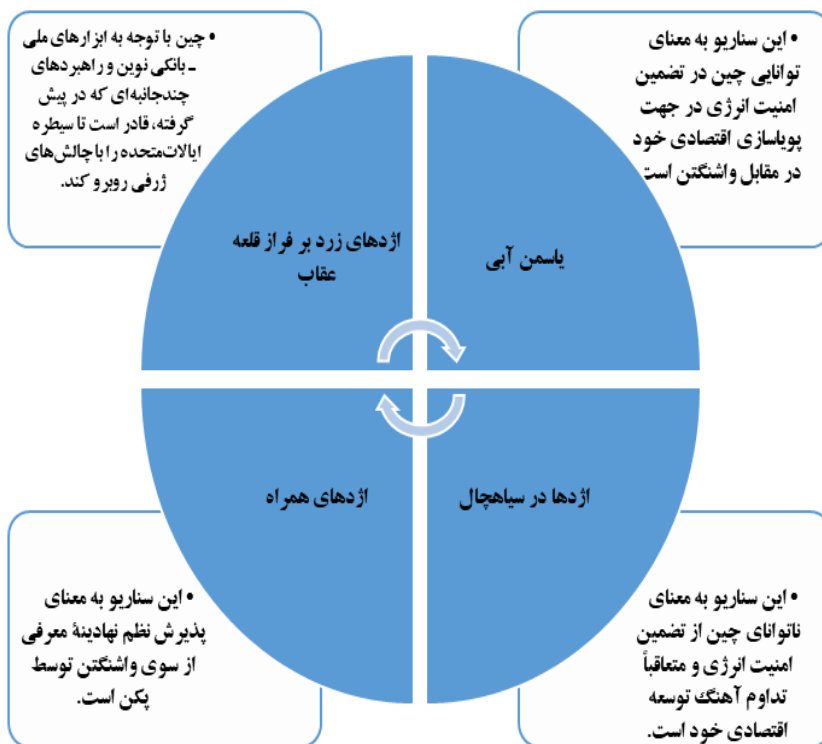
R	عدم قطعیت‌های مؤثر بر روابط واشنگتن و پکن در منطقه ایندو پاسیفیک بر اساس «اهمیت» و «عدم قطعیت»
۱	بهره‌گیری چین از ظرفیت‌ها و ابتکارهای نوینی همچون: «CIPS»، مگا پروژه کمر بند - راه، بانک توسعه زیرساخت آسیایی، راهبردی چرخه دوگانه و... به جهت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن؛
۲	تبدیل شدن عامل انرژی به‌عنوان ابزاری برای تحدید قدرت رویه‌تزاید چین از سوی ایالات‌متحده؛
۳	سرایت منازعات سیاسی - اقتصادی واشنگتن و پکن از منطقه ایندو پاسیفیک به سایر مناطق راهبردی از جمله غرب آسیا؛
۴	استفاده ابزاری واشنگتن از بحران شبه‌جزیره کره، موضوع تایوان، تبت، جزایر دریای چین جنوبی و جدایی طلبان سین کیانگ، به‌عنوان اهرم‌های فشارقوی علیه چین؛
۵	تلاش پکن در جهت برقراری امنیت منطقه‌ای از طریق اتخاذ راهبردهای دوجانبه و چندجانبه باهدف تضمین امنیت انرژی و دستیابی به اهدافی همچون ساخت چین ۲۰۲۵ و ۲۰۳۵؛
۶	تلاش ایالات‌متحده در جهت کنترل اقدامات منطقه‌ای چین با همکاری متحدان متعهد منطقه‌ای خود از طریق دکترین کنترل چین؛
۷	تأکید و تمرکز بیشتر دو کشور بر راهبردهای دوجانبه و چندجانبه در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی باهدف بسترسازی و تعمیق منزلت منطقه‌ای و جهانی خود؛
۸	افزایش اهمیت تضمین امنیت انرژی به‌منظور دستیابی به ثبات اقتصادی و متعاقباً تداوم رشد اقتصادی.

۵. در پرتو گام پنجم که مربوط به تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی است، بر اساس گام چهارم، عدم قطعیت‌های کلیدی، هم از حیث تأثیر و هم از حیث اهمیت تعیین شدند. به همین منظور و باهدف ترسیم چارچوب یا فضای سناریو، عدم قطعیت‌های مهم شناسایی شده، بر اساس دو معیار درجه اهمیت و درجه عدم قطعیت مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۲: عدم قطعیت‌های کلیدی

R	عدم قطعیت‌های کلیدی رتبه‌بندی شده بر اساس «اهمیت» و «عدم قطعیت»
۱	وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده
۲	تبدیل شدن عامل انرژی به‌عنوان ابزاری مؤثر در تعیین روابط پکن - واشنگتن

همان‌گونه که در جدول فوق نیز آمده است، بر اساس نظر خبرگان، از میان عدم قطعیت‌های شناسایی شده، دو عامل: وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده و تبدیل شدن عامل انرژی به‌عنوان ابزاری مؤثر در تعیین روابط پکن - واشنگتن، به‌عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی انتخاب شدند. بنابراین، ماتریس سناریو، بر اساس عدم قطعیت‌های کلیدی که از پرسشنامه توزیع شده در میان خبرگان استخراج گردید نیز مطابق شکل زیر می‌باشد:



نمودار شماره ۱: سناریوها

۶. در خلال گام ششم که مربوط به تحلیل روابط علی و ارزیابی میزان روایی سناریوهای نگارش شده است، کوشش شد تا باورپذیری سناریوها از این مرحله به بعد پیوسته با کمک خبرگانی که فردی و یا گروهی در جریان کار قرار داشتند مورد ارزیابی قرار گیرد. شایان ذکر است که در این مرحله انجام آزمون تونل باد و ارائه راهبردهای پژوهش با حضور خبرگان امر انجام پذیرفت. سناریوهای توسعه‌یافته در ادامه به تفصیل ارائه شده است.

۷. به منظور بررسی مضامین سناریوهای توسعه‌یافته، در این مرحله مواضع ابتدایی پژوهش از رهگذر طرح پرسش‌هایی از این دست آزموده شد: چه خواهیم کرد اگر این سناریو واقعیت پیدا کند؟ چه ضعف‌هایی آشکار شده است؟ و چه راه‌کارهایی برای مقابله با مسائل احتمالی باید اندیشیده شود؟ در همین راستا تلاش گردید تا با استفاده از

برنامه‌ریزی «فرض‌بنیاد» و روش «کوئست»^۱ راهکارهایی برای تدوین راهبرد و سیاست‌ها از خروجی پویش محیطی و سناریو با تکیه بر نظر خبرگان احصا گردد. شایان‌ذکر است که در این مرحله از پژوهش، سناریوها و داده‌های حاصل از دیده‌بانی، طی جلسات خبرگی، از سوی خبرگان هدف اخذ شد و متعاقباً جمع‌بندی نکته نظرات ارائه‌شده از سوی خبرگان امر باهدف ایجاد درک مشترک از تهدیدات سیاسی - امنیتی ناشی از رویکردهای ایالات متحده و چین در آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک، و همچنین شناسایی و تعیین اولویت‌ها، امکانات و احتمالات آینده که برای کشور پیامد دارند، صورت پذیرفت. با عنایت به نشست‌های برگزارشده، دستورالعمل‌های احصا شده شامل: (۱) نائل آمدن به تحلیلی جامع از محیط خارجی تعیین تهدیدات امنیتی ناشی از رویکردهای احتمالی واشنگتن و پکن؛ (۲) تحلیل و ارزیابی ظرفیت کشور و گزینه‌های راهبردی برای رویارویی با تهدیدات پدیدار شده؛ و (۳) سیاست‌ها، راهکارها و توصیه‌های راهبردی می‌باشد. سرانجام به‌منظور صحت سنجی سناریوهای نگارش شده و همچنین ارزیابی روایی و منطق علی‌آنها، طی دو نوبت، یافته‌های پژوهش در اختیار خبرگان هدف قرار گرفت و از این رهگذر بررسی‌های نهایی صورت پذیرفت.

۸. در خلال گام هشتم تحت عنوان «انتخاب پیش‌نشانگرها»^۲ پس از خلق سناریوها، شاخص‌هایی که برنامه ریزان را در پایش جریان روندها و رویدادها و چگونگی تأثیرات احتمالی آنها بر منافع جمهوری اسلامی ایران کمک خواهند نمود، استخراج گردید. در همین راستا و در پرتو جلسات خبرگی، شاخص‌های مربوطه از بطن سناریوها و روندهای متمایز هر سناریو بیرون کشیده شد و سپس به قضاوت خبرگان سپرده و سرانجام در انتهای سناریو قید گردید.

۹. در گام پایانی که مربوط به ترسیم چشم‌اندازهای کلی پژوهش است، چشم‌انداز کلی در قالب مطلوبیت‌های موجود از رقابت دو کشور ایالات متحده و چین در منطقه ایندو

1. QUEST (The Quick Environmental Scanning Technoque)
2. Leading Indicators

— آینده‌پژوهی رویکردهای ایالات‌متحده و چین در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی ج.ا.ایران / ۱۲۷

پاسیفیک به منظور بیشینه‌سازی منافع جمهوری اسلامی ایران احصا شده و در معرض قضاوت خبرگان قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۳: مطلوبیت‌ها

R	عنوان مطلوبیت
۱	کاهش حضور و نفوذ ایالات‌متحده در منطقه غرب آسیا به سبب رقابت با پکن در حوزه ایندو پاسیفیک؛
۲	ارتقای وزن جمهوری اسلامی ایران در رویکرد بلوکی چین در عرصه امنیت انرژی؛
۳	توسعه روابط سیاسی - اقتصادی تهران - پکن؛
۴	افزایش حوزه کشتگری جمهوری اسلامی ایران در آوردگاه راهبردی غرب آسیا در برابر نیروهای نیابتی واشنگتن؛
۵	افزایش سطح حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک پکن از تهران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌الملل و همچنین موافقت با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای؛
۶	دستیابی جمهوری اسلامی ایران به رشد اقتصادی و خارج‌سازی خود از چرخه دلار «سوئیفت» از طریق تغییر تمایل پکن به سیاسی کردن ارز خود در قبال ایران «CIPS».

۵. سناریوهای پژوهش

پس از طی مراحل که ذکرشان رفت، مشروح سناریوهای پژوهش به شرح ذیل قابل ترتیب بندی است:

۵-۱. یاسمن آبی^۱ (بدترین سناریو)

شاخص‌های راهنمای این سناریو به‌قرار ذیل می‌باشند:

۵-۱-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- افزایش تحرکات سیاسی - اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی برای انزوای ایران؛
- همراهی و همکاری چین با ایالات‌متحده برای تحدید رابطه خود با تهران؛
- تداوم رشد اقتصادی چین در پرتو تضمین امنیت انرژی؛

۱. «Blue Jasmine»؛ این سناریو به معنای آن است که چین ضمن برخورداری از یک اقتصاد پویا، مدون و موفق، قادر است تا فارغ از بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، شرایط لازم را برای توسعه اقتصاد سیاسی خود از طریق تضمین امنیت انرژی فراهم آورد.

- توجه و تمرکز بیشتر بر راه ابریشم دریایی و ابتکار کمربند - راه؛
- تلاش در جهت متنوع سازی منابع عرضه و مسیرهای انتقال انرژی؛
- کاهش پلکانی مراودات انرژی ایران و چین.

۵-۱-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین مبادرت به متنوع سازی گزینه‌های انرژی خود نموده است و اینکه بیش از پیش از ظرفیت کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصاً عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و عراق که ذخایر عظیم نفت و گاز و فناوری‌های استحصال انرژی غربی را در اختیار دارند بهره‌جویی نموده است؛
- کنشگری منفی و غیر سازنده هویت‌های رقیب (ایالات متحده، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی) و درک سطحی از برقراری روابط راهبردی میان ایران و چین منجر به کاهش وزن انرژی تهران برای پکن شده است؛
- تحریم‌های مالی و بانکی مجموعه غرب و مشخصاً ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران منجر به تحدید توان تهران برای صادرات نفت به چین گردیده است؛
- با توجه به نیاز فزاینده چین به انرژی به منظور تداوم رشد اقتصادی خود و همچنین به سبب عدم تمایل پکن به رویارویی با واشنگتن (لااقل در کوتاه‌مدت)، چین از پیشنهاد ایالات متحده مبنی بر جایگزینی نفت از عربستان سعودی به جای ایران استقبال کرده است؛
- متأثر از نگرش بلوکی چین، ایران صرفاً مبدل به یک تأمین‌کننده جزئی انرژی چین شده است و در مقایسه با کشورهای عرضه کننده انرژی به چین، جایگاه به مراتب نازل تری را احراز نموده است؛
- نوع روابط ایالات متحده و چین حدود و ثغور همکاری‌های انرژی پکن و تهران را مشخص نموده است؛

- چین رژیم‌سازی بین‌المللی جدیدی را در چارچوب مگا پروژه کمر بند - راه در راستای نائل آمدن به اهداف دیپلماسی انرژی خود دنبال کرده است (ظرفیت‌سازی ابتکار کمر بند - راه برای معماری نوین حکمرانی جهانی)؛
- چین از طرح پلکانی واشنگتن مبنی بر کاهش واردات نفت از ایران تبعیت کرده است و اینکه واردات انرژی از ایران را به کمترین میزان ممکن کاهش داده است؛
- با رویکردی مرکانتیلیستی، افزایش تنوع منابع عرضه و مسیرهای انتقال انرژی مورد توجه مقامات پکن واقع شده است؛
- به دلیل ضعف در حفاظت از تانکرهای نفتی و ورود به جنگ در دریای چین جنوبی، پکن در تنگه مالاکا، راه ابریشم دریایی را باهدف اتصال دریایی چین جنوبی به دریای مدیترانه بیش‌ازپیش مورد توجه قرار داده است؛
- به‌طور کلی چین به سمت مسیرهای جایگزین از ایران سوق یافته است.

۳-۱-۵. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- انجام دیدارهای راهبردی دوجانبه توسط مقامات عالی دو کشور در خصوص مقوله انرژی؛
- تنظیم مفاد برنامه‌های جامع با توجه به آینده منابع انرژی؛
- ایجاد پیوند راهبردی با پکن از طریق ایجاد دالان انرژی؛
- توجه به ظرفیت‌های بخش خصوصی و دولتی دو کشور به‌صورت توأمان؛
- ترغیب پکن به انتقال فناوری و انجام سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت.

۲-۵. اژدهای زرد بر فراز قلعه عقاب^۱ (بهترین سناریو)

شاخص‌های راهنمای این سناریو به‌قرار ذیل می‌باشند:

۱. چین به‌عنوان اژدهای زرد آسیایی با توجه به نهادهای مالی و بانکی و همچنین رشد اقتصادی که در پرتو راهبردهای نوین خود (چرخه دوگانه) تجربه می‌نماید، قادر است تا سلسله‌مراتب قدرت‌های جهانی را دستخوش تغییرات قابل‌توجهی نماید و ایالات‌متحده (عقاب) را از تک قطب برتر به یکی از قطب‌های جهانی بدل نماید.

۵-۲-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- ابتکار کمربند - راه، راهبرد چرخه دوگانه، «CIPS» و ساخت چین ۲۰۲۵، به‌مثابه عمده‌ترین راهبردهای چین برای ایجاد توازن تجاری با ایالات متحده؛
- تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن از سوی جمهوری خلق چین با از طریق سیاست‌های همچون: موازنه سازمان‌محور یا نهادگرایی منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای، آ.سه.آن، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و صندوق راه ابریشم؛
- تمرکز ایالات متحده بر مناطق چالش‌زایی همچون: تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و دریای چین جنوبی، به‌منظور تحت‌الشعاع قرار دادن خیزش اقتصادی چین؛
- توجه و تمرکز بیشتر پکن بر رویکرد چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای؛
- ترویج یوان و رنمینبی به‌عنوان ارز مبادله‌ای در تجارت با کشورهای هدف به‌منظور تضعیف دلار؛
- تبدیل شدن چین به‌عنوان کنشگری بی‌رقیب در بازار اقتصادی ایران؛
- ارتقای جایگاه ایران در ابتکار کمربند - راه؛
- افزایش سطح همکاری‌های سیاسی - اقتصادی تهران - پکن.

۵-۲-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین با استفاده از ارزش‌های محلی و مشخصاً یوان، درصدد کاهش تأثیر و تضعیف دلار در مبادلات بین‌المللی برآمده است (ارائه الگویی جدید از جهانی‌سازی و تثبیت الگوهای چینی تجارت و سرمایه‌گذاری)؛
- در راستای طراحی مالیه بین‌الملل به سمت جنوب، چین درصدد تغییر جهت ساختاری اقتصاد لیبرال حرکت کرده است؛
- ایالات متحده راهبرد ناامنی اقتصادی در منطقه‌ایندو پاسیفیک و انزوای بین‌المللی چین را ردگیری کرده است؛

- تحریم شرکت‌ها و بانک‌های چینی یکی از گزینه‌های واشنگتن در جنگ اقتصادی رخ نموده است؛
- چین به صورت موازی و هم‌زمان سعی کرده است تا بر اساس هرّم ترکیب منافع، ایده و قدرت، هم میزبان سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد و هم به انجام سرمایه‌گذاری در خارج مبادرت ورزد؛
- رشد اقتصادی چین موجب افزایش قدرت نسبی این کشور در حال صعود شده است و این کشور را در عرصه بین‌الملل در جایگاهی قرار داده است که بتواند اهداف اعلانی و اعلامی خود را جسورانه‌تر دنبال نماید؛ نتیجه چنین شرایطی آن است که به کارگیری ابزارهای قدرت (تحریم، تهدید و فشار) توسط ایالات‌متحده در مقابل چین دشوارتر و گران‌تر از سایر کشورها تمام شده است؛
- ایالات‌متحده کوشیده است تا از مقوله‌های حقوق بشر و قضیه تایوان و هنگ‌کنگ به عنوان کارت بازی خود برای فشار بر چین به منظور همراهی با خود بهره‌جویی نماید؛
- چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، کارت خود را رایگان در قضیه‌ای مثل تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران در اختیار واشنگتن قرار نخواهد داد (واشنگتن در همراه ساختن چین با خود در بحث تحریم‌های یک‌جانبه با محدودیت مواجه خواهد شد)؛
- چین در قالب مگا پروژه کمربند - راه در صدد ایجاد چالش برای الگوی توسعه اقتصادی غربی برآمده است و متعاقباً اقدام به طراحی نظم نوینی در عرصه تجارت بین‌الملل کرده است؛
- چین در راهبرد موازنه سازی اقتصادی کوشیده است تا برای هزینه‌مند کردن سیاست چرخش به شرق ایالات‌متحده، از ایران به عنوان کشور مخالف سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن در منطقه غرب آسیا بهره‌برداری نماید؛

- با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های ضدامریکایی‌اش، چین در پرتو جنگ تجاری پدیدار شده میزان تجارت خود با تهران را افزایش داده است.

۳-۲-۵. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- عملیاتی کردن برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله؛
- ایجاد درهم تنیدگی اقتصادی و تجاری با چین با هدف مقابله با فشارهای مجموعه غرب؛
- لزوم بازتعریف جایگاه ایران در نقشه کریدورهای ابتکار کمربند - راه؛
- ترسیم جایگاه چین در راهبرد و اصول کلی سیاست خارجی کشور؛
- پیگیری گفت‌وگوهای راهبردی، تجاری و اقتصادی دوجانبه در سطوح عالی؛
- رصد اقدامات کنشگران رقیب جمهوری اسلامی ایران؛
- تنظیم مفاد برنامه با توجه به آینده حضور امنیتی چین در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل؛
- تعریف چین به‌عنوان طرف سوم همکاری ایران؛
- لایه‌ای کردن تعاملات فی‌مابین؛
- گسترش و تعمیق سطح همکاری‌های دوجانبه در حوزه مالی و بانکی؛
- تبیین و نظام‌مندسازی اسناد بالادستی به‌مثابه چراغ راه همکاری‌های انرژی و لزوم عطف به آن.

۳-۵. ازدها در سیاه‌چال^۱

شاخص‌های راهنمای این سناریو به‌قرار ذیل می‌باشند:

۱. «Dragons in the Dungeons»: این سناریو به معنای ناتوانی پکن در تضمین امنیت انرژی خود است. به بیانی بهتر، با توجه به راهبردهایی که واشنگتن در راستای تحدید حوزه کنشگری پکن طراحی نموده است، جمهوری خلق چین در راستای تضمین امنیت انرژی خود با چالش‌های ژرفی مواجه است. نتیجه عینی چنین شرایطی آن است که اقتصاد ملی چین تا حدود زیادی تضعیف می‌گردد.

۵-۳-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- افزایش میزان و سطح رقابت جمهوری خلق چین و ایالات متحده در راستای تصاحب منابع و بازارهای انرژی (تضمین امنیت انرژی)؛
- استفاده ابرازی واشنگتن از گزاره انرژی در جهت کنترل قدرت رو به تزاید چین؛
- تبدیل شدن حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک به آوردگاهی جهت تقابل و درگیری‌های انرژی چین و ایالات متحده؛
- تلاش در جهت جریان یابی انرژی به سمت چین از طریق ایجاد جو نظامی در منطقه ایندو پاسیفیک از سوی واشنگتن؛
- مبذول داشتن توجه و تمرکز ویژه از سوی ایالات متحده نسبت به مناطق چالش‌زای چین؛
- استفاده حداکثری واشنگتن از ظرفیت متحدان متعهد در جهت تحدید امنیت انرژی پکن.

۵-۳-۲. خطوط اصلی سناریو

- از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعاتی که روابط چین و ایالات متحده را متأثر از خود خواهند کرد قضایای تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و مباحث مرتبط با دریای چین جنوبی می‌باشند؛
- منابع انرژی و مباحث مرتبط با آن مبدل به نقطه ثقل کنش‌های ایالات متحده و چین در حوزه ایندو پاسیفیک خواهد شد؛
- ایالات متحده خواهد کوشید تا از طریق قطع شاه‌راه‌های ارتباطی چین (تنگه تایوان و تنگه مالاکا)، راه‌های تأمین انرژی پکن را با مشکل مواجه نماید؛
- واشنگتن کشورهای حاضر در حوزه خلیج فارس را از کمک‌رسانی انرژی به چین بر حذر خواهد داشت؛

- در راستای مقابله با سیاست‌های ایالات متحده، چین خواهد کوشید تا از ظرفیت کشورهای دارای منابع انرژیکی همچون فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش بهره‌برداری نماید.

۳-۳-۵. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- استفاده حداکثری از شرایط پدیدار شده به منظور افزایش صادرات انرژی خود به چین؛
- انعقاد قراردادهای بلندمدتی که منافع دو طرف (چینی و ایرانی) را به صورت مساوی در نظر گرفت باشد؛
- استفاده از کارت چین در مجامع بین‌المللی و به طور خاص شورای امنیت سازمان ملل متحده در مقابل عرضه انرژی به چین؛
- کوشش در جهت همراه ساختن چین با خود در جبهه مخالفان ایالات متحده؛
- فراهم‌سازی شرایط برای انتقال فناوری چینی در حوزه اکتشاف و استحصال نفت؛
- استفاده از عامل انرژی برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود برای چین؛
- تدوین و تنظیم مدل دوماحوری حضور شرکت‌های خصوصی چین و ایران در سطح منطقه (تأمین مالی از جانب پکن و تأمین امنیت آنان از سوی تهران با همکاری دولت‌های مرکزی)؛
- در اختیار گیری مدیریت و انحصار امنیت دریانوردی خلیج فارس و دریای چین جنوبی توسط چین و تهران؛
- مشارکت چین در امنیت دریانوردی خلیج فارس (به رهبری ایران)؛
- مشارکت ایران در تأمین امنیت دریانوردی در دریای چین جنوبی (به رهبری چین)؛
- مشروعیت‌زدایی از حضور فرا منطقه‌ای ایالات متحده در حوزه دریایی دو کشور؛
- برگزاری مانورهای مشترک دریایی در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای چین جنوبی؛

- از سرگیری مجدد مذاکرات با «سینوپک» در راستای توسعه میدان نفتی یادآوران؛
- احیای قرارداد توسعه میدان آزادگان و شرکت ملی نفت چین.

۴-۵. اژدهای همراه^۱

شاخص‌های راهنمای این سناریو به‌قرار ذیل می‌باشند:

۴-۵-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- تبعیت چین از سیاست یکی به نعل و یکی به میخ در قبال جمهوری اسلامی ایران؛
- تأثیرپذیری روابط جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران از نوع و سطح مراودات سیاسی - اقتصادی پکن و کشورهای غربی؛
- شکل‌گیری نگرش چین نسبت به ایران بر اساس محاسبات اقتصادی و ایجاد توازن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی غیر چالش‌گرانه در برابر ایالات متحده؛
- استنفاف چین از همراهی حداکثری اقتصادی با ایران؛
- همکاری حداکثری پکن با سیاست‌های اعلامی، اعلانی و اعمالی واشنگتن علیه ایران باهدف کسب رضایت ایالات متحده و نشان دادن خود به‌عنوان قدرت سهامدار مسئول؛
- عدم تمایل جمهوری خلق چین به سیاسی کردن ارز ملی خود در مراودات اقتصادی با ایران؛
- گرایش چین به سمت قدرت‌های غربی و دوری از برقراری و درهم‌تنیدگی روابط راهبردی با ایران.

۱. این سناریو به معنای پذیرش نظم نهادینه معرفی شده از سوی ایالات متحده توسط جمهوری خلق چین است.

۵-۴-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین درصدد رویارویی مستقیم و همه‌جانبه با ایالات متحده بر نمی‌آید؛ پکن بر اساس راه‌سومی که تاکنون برای واشنگتن سابقه نداشته است در کنار ایالات متحده خواهد ایستاد و بر اساس سنت‌های لیبرال به کنشگری خواهد پرداخت؛
- تمایل چین بر این اساس ترتیب بندی خواهد شد که خود را به‌عنوان سهام‌داری مسئول در نظام بین‌الملل به همه بشناساند تا حساسیت‌های جهانی را نسبت به خیزشش تقلیل دهد؛
- وابستگی متقابل اقتصادی چین و ایالات متحده موجب خواهد شد تا هر دو کشور از تصمیمات رادیکالی که منافعشان را با خطر مواجه نماید، خودداری کنند؛
- با علم به در هم تنیدگی اقتصادی واشنگتن و کشورهای اروپایی، راهبرد کلان چین در قبال ایالات متحده به‌عنوان متحد اروپا، مبتنی بر موازنه نرم و پرهیز از تقابل مستقیم خواهد بود؛
- با توجه به همگرایی پدیدار شده میان واشنگتن و پکن، متحدان ایالات متحده نه تنها منافع کلان خود را در جهت حفظ و بسط روابط با چین تعریف خواهند کرد، بلکه از تقابل با چین پرهیز خواهند کرد؛
- همراهی اقتصادی چین با ایالات متحده این فرصت را در اختیار پکن قرار خواهد داد که بدون آنکه مقابل واشنگتن بایستد و هزینه‌های سنگین ناشی از رویارویی با واشنگتن را متحمل شود، منافع کلان خود را دنبال نماید.

۵-۴-۳. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- قرار دادن خود در مدار چین به‌منظور هزینه‌مند کردن اقدام احتمالی پکن برای کنار گذاشتن تهران؛
- ارتباط‌گیری و بسط روابط راهبردی با رقبای بالقوه و بالفعل چین (هندوستان)؛
- ایجاد شبکه‌ای از پیوندهای راهبردی با هم‌پیمانان منطقه‌ای چین و مشخصاً پاکستان در بندر گوادر؛

- ارتقای نقش و جایگاه منطقه‌ای خود؛
- پویاسازی اقتصادی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی به‌منظور کاهش ضعف‌های راهبردی و کاهش نیاز به چین؛
- متنوع سازی شرکای راهبردی (فدراسیون روسیه)؛
- ایجاد بلوک منطقه‌ای اقتصادی با همراهی کشورهای سوریه، عراق و لبنان به‌منظور گسترش دامنه کنشگری مثبت در سطح منطقه غرب آسیا.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز؛ اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۳). «نظام بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰-۱۹۹۱)»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۸.
- باقری دولت‌آبادی، علی و درج، حمید (۱۳۹۷). «سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره ۲.
- خدا قلی پور، علیرضا (۱۳۹۶). «ابتکار کمر بند - راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۱.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۰). «استراتژی آمریکا و چین در منطقه آسیا - پاسیفیک: همکاری و تعارض»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳.
- دهشیری، محمدرضا و زهرا، بهرامی (۱۳۹۴). «نگاه استراتژیک چین به بریکس»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۱، شماره ۸۹.
- رفیع، حسین و بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۲). «استراتژی آمریکا در تقابل بانفوذ اقتصادی و سیاسی - امنیتی چین در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳.
- رکابیان، رشید و عله پور، مهرداد (۱۳۹۹). «آوردگاه ایندو پاسیفیک و رویارویی پکن و واشنگتن در عصر پسا جنگ سرد (۲۰۱۹ - ۲۰۱۰)»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۲.
- سلیمان پور، هادی (۱۳۹۳). «آمریکا و چین و چشم‌انداز نظام بین‌الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳.
- طباطبایی، سید علی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶.

ب. منابع انگلیسی

- Andrew, Scobell (2020). "Constructing a US – China Rivalry in the Indo Pacific & Beyond", **Journal of Contemporary China**, Vol. 30, pp. 69 – 84.
- Brzezinski, Zbigniew & Mearsheimer, John J. (2005). "Clash of the Titans", **Foreign Policy**, Jan/Feb, Issue 146.
- Buzan, Barry (2014). **"Brilliant but Now Wrong: A Sociological & Historical Sociological Assessment of Gilpin's War & Change in World Politics"**, Cambridge University Press. By -economist-Adam-smith-more-than-200-years-ago.

- Chase, Michael S et al (2015). "**China's Incomplete Military Transformation: Assessing the Weaknesses of the People's Liberation Army (PLA)**". Rand Corporation.
- Golshan, Tara. (2018). "**Trump is calling backsides on exiting the Trans-Pacific Partnership trade deal**", Vox Sentences, 12 April 2018, available at: <https://www.vox.com/policy-and-politics/2018/4/12/17230058/trump-trans-pacific-partnership-trade-deal-renegotiate>
- Kai, He & Mingjiang, Li (2020). "Understanding the dynamics of the Indo Pacific: US – China Strategic Competition, Regional actors & beyond", **International Affairs**, Vol. 96, No. 1, pp. 1 – 7.
- Kuosa, T., (2011), "**Practicing strategic foresight in government: the cases of Finland, Singapore and the European Union**, S. Rajaratnam School of International Studies", first edition, Singapore, 116 p.
- Mc Adams, D (2016). "The Mind of Donald Trump", **the Atlantic Journal**.
- Mearsheimer, John.J & Stephen M. Walt. (2016). "The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S Grand Strategy", **Foreign Affairs**, July/August 2016 Issue, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/unitedstates/2016.../case-offshore-balancing>
- National Security Strategy Of The United States Of America, 2017: 12, 18, 35.
- Sahu, Arun K (2014), "Two to Tango: The U.S. & China in the Asia – Pacific", **Strategic Analysis**, Vol. 38, No. 4.
- Summary Of The 2018 National Defense Strategy, 2018: 3, 4.
- Titli, Basu (2020). "Sino – US Disorder: Power & Policy in Post – COVID Indo Pacific", **Journal of Asian Economic Integration**, Vol. 2, No. 2, pp. 159 – 179.
- Weixing, Hu & Weizhan, Meng (2020). "The Us Indo Pacific Strategy & China's Response", **the China Review**, Vol. 20, No. 3, pp. 143 – 176.
- Weixing, Hu (2020). "The United States, China & the Indo Pacific Strategy", **the China Review**, Vol. 20, No. 3, pp. 127 – 142.

